

۱۴ شهریور ۱۴۰۴ - شهر چمران خوزستان

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ
وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى حَبِيبِهِ وَنَجِيبِهِ وَ
خَيْرَتِهِ فِي خَلْقِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَ مُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ بِشِيرِ
نِعْمَتِهِ وَ نَذِيرِ نِقْمَتِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيَّنَا اَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى
مُحَمَّدٌ وَ عَلَى آلِهِ الْاَطْيَبِينَ الْاَطْهَرِينَ الْمُتَجَبِّينَ
الْهَدَاءَ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْاَرْضِينَ وَ صَلَّ
اللَّهُ عَلَى اَئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَدَاءِ الْمُسْتَضْعِفِينَ وَ حَمَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ.

عِبَادَ اللَّهِ اَوْصِيَكُمْ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

پیامبر اکرم (ص) از شش خصلت به خدا پناه می برد!

(به مناسبت سالروز میلاد پیامبر (ص)؛ ۱۷ ربیع الاول)

اشاره: رهبر معظم انقلاب در شرح الحدیث ابتدای جلسات درس خارج فقه، این حدیث شریف را خواندند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ: مِنَ الشَّكِّ وَالشَّرْكِ وَالْحَمِيَةِ وَالْغَضَبِ وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ» (الخصال، ج ۱، ص ۳۲۹).

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) هر روز از شش خصلت به خدای متعال پناه می برد. معنای تقوا این است: مراقبت؛ مراقبت از خود، که هر روز انسان آن حفره ها و چاه ها و گودال هایی که سر راهش هست، این ها را بنشیند محاسبه

کند و به خود تلقین کند مراقبت از این ها را. پیغمبر با مقام عصمت، در عین حال این قدر مراقب خود است! همین مراقبت ها است که موجب آن عصمت هم می شود. این شش خصوصیتی که پیغمبر هر روز از آن ها به خدا پناه می برد، این ها است:

۱. مِنَ الشَّكِّ

اول، شک است. شک همیشه از جهل ناشی نمی شود که یک مبنایی برای انسان روشن نباشد، شک کند؛ نه، گاهی مبنا هم روشن است برای انسان. شک و تردیدِ نفسانی، بسیاری از اوقات از وسوسه ناشی می شود؛ وارداتِ شیطانی نفسِ انسان - که آن هم به نوبه ی خود معلول گرفتاری های ما و ابتلائات ما به امور دنیا است - شک ایجاد می کند.

لذا به بیان امیرالمؤمنین (ع): «تباه کننده ترین چیز، شک و تردید است» (أَهْلَكَ شَيْءٌ الشَّكُّ وَالْارْتِيَابُ) (غرر الحکم: ح ۳۳۱۸) حضرت در حکمت ۳۱ نهج البلاغه می فرمایند:

شک بر چهار پایه استوار است (الشَّكُّ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ؛ یعنی مبادی و سرچشمه های شک را در چهار چیز خلاصه می شود؛ و کسانی که به حق نمی رسند و در کفر می مانند و غوطه ور می شوند دارای این ضعف ها هستند:

- التَّمَارِي: عادت کردن به مرأ و بحث و گفتگوهای بی حاصل و آمیخته با لجاجت.

- الْهَوْل: ترس از جستجوگری، تحقیق و کشف حقیقت (منظور از «هول» ترس و وحشت از روشن شدن حقایق و تصمیم گیری بر طبق آن است).

- التَّرَدُّدُ: وسواس و دودلی در تصمیم گیری («تردد» اشاره به نوعی از وسواس است که به انسان اجازه نمی‌دهد حق را بشناسد و بر آن استوار بماند).

- الْإِسْتِسْلَامُ: تسلیم شدن در برابر شب‌هات و در حالت انفعالی فرو رفتن («استسلام» همان خودباختگی است که هر کس هر چه می‌گوید، در برابر آن تسلیم می‌شود و به همین دلیل نمی‌تواند حق را از میان آن‌ها برگزیند و بر آن استوار بماند). [

۲. وَالشِّرْكَ

پیغمبر از شرک به خدای متعال هر روز پناه می‌برد. خُب پیدا است که آن شرکِ جلی، خیلی دور از ساحت ما است که در مقابل یک بتی مثلاً سجده کنیم؛ این پیدا است که مراد از شرک، شرکِ خفی است که انسان غیر خدا را به نحوی

داخل کند در کاری که باید برای خدا انجام بگیرد. لذاست که انسان بایستی به طور دائم به خدای متعال پناه ببرد از این شرک که مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ وارد می شود.

[امام صادق(ع) فرمود: اگر مردمی خدای یگانه و بی شریک را بپرستند و نماز بخوانند و زکات بپردازند و حج بروند و ماه رمضان را روزه بگیرند (لَوْ أَنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ حَجُّوا الْبَيْتَ وَ صَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ)،

ولی از روی اعتراض به عملکرد خداوند یا پیامبر(ص) بگویند (ثُمَّ قَالُوا لَشَيْءٍ صَنَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَوْ صَنَعَهُ النَّبِيُّ):

چرا خلاف آن را عمل نکرد (أَلَّا صَنَعَ خِلَافَ الَّذِي صَنَعَ)،

یا در دلشان چنین اعتراضی کنند و به زبان نیاورند (أَوْ وَجَدُوا ذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ)،

به سبب همین اعتراض مشرک می‌شوند (لَکَانُوا بِذَلِكَ مُشْرِکِینَ).

آن گاه امام این آیه را تلاوت کرد: «فَلَا وَ رَبِّکَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ یَحْکُمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لَا یَجِدُوا فِی اَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَیْتَ وَ یَسْلَمُوْا تَسْلِیْمًا» (نساء: ۶۵).

سپس امام فرمود: پس، تسلیم باشید (وَ عَلَیْکُمْ بِالتَّسْلِیمِ) (الکافی، ج ۲، ص ۳۹۸).

۳. وَالْحَمِیَّةُ

و حمیت یعنی جانب‌داری بی‌منطق؛ از یک کسی، از یک چیزی، از یک فکری، از یک راهی، از یک گروهی، از یک خطی - به قول امروز، خط و خطوط - به طور بی‌منطق دفاع کند، جانب‌داری کند. اِذْ جَعَلَ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْحَمِیَّةَ حَمِیَّةَ الْجَاهِلِیَّةِ؛ (فتح: ۲۶) این از خصوصیات کفار

بود در زمان پیغمبر که این چون خویشاوند ما است، این چون در قبیله‌ی ما است، این چون جزو رفقای ما است، این چون جزو مجموعه‌ی خط فکری ما است، هر غلطی کرد، ما بایستی سینه سپر کنیم و بیاییم از او دفاع کنیم. این چون همکار ما است در اداره، زیرمجموعه‌ی ما است و از این قبیل حرف‌ها، باید سینه‌مان را سپر کنیم از او دفاع کنیم، ولو هیچ منطقی پشت سر این دفاع ما نباشد! این حمیت است. این حمیت، جانب‌داری، جانب‌داری گرم، همان حمایت است و ماده‌ی حمایت و ریشه‌ی حمایت و مانند این‌ها از این اشراب شده. محکم دفاع کند از یک کسی، بدون هیچ منطقی.

[این رذیله از جنود جهل است (وَالْإِنصَافُ وَضِدَّةُ الْحَمِيَّةِ (الکافی، ج ۱، ص ۲۲)؛ لذا امیرالمؤمنین (ع) در ماجرای عدم سجده ابلیس بر آدم فرمود: «همین حمیت و تعصب، او را

گرفتار کرد و مانعش شد و تیره‌بختی بر او چیره گشت»
(فَقَالَ سُبْحَانَهُ "اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ" (بقره: ۳۴)
اعترته الْحَمِيَّةُ وَغَلَبَتْ عَلَيْهِ الشَّقْوَةُ (نهج البلاغه، خطبه ۱)).

۴. وَالْغَضَبُ

و خشمگین شدن، که اختیاریِ انسان نیست؛ چون غضب،
عقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسان واقعاً باید پناه ببرد!
آدم وقتی عصبانی شد، خیلی از راه‌های فهم و بصیرت
جلوی انسان بسته می‌شود، انسان نمی‌فهمد چه کار می‌کند؛
مثل آدم مست است.

۵. وَالْبَغْيُ

و «بغی» یعنی دشمنی کردن علیه کسی، مجموعه‌ای، چیزی،
آن هم بی‌دلیل. از روی احساسات نفسانی، انسان با یک
کسی بیخودی دشمنی کند؛ این بغی است.

و یکی هم حسد؛ از حسد هم باید پناه برد به خدا، که مایه‌ی رنج خود و دیگران است. گفت: «حسود را چه کنم کوز خود به رنج در است» (گلستان سعدی). شما به حسود هیچ بدی‌ای هم نکرده‌اید، اما او از درونِ خود دچار رنج است. یک نعمتی را در شما می‌بیند، یک فضیلتی را یا امتیازی را در شما می‌بیند، در آتش می‌سوزد. شما هم هیچ بدی‌ای به او نکرده‌اید اما او بی‌دلیل با شما بد می‌شود. حسد! که این هم خیلی چیز خطرناکی است (در ابتدای جلسه درس خارج فقه؛ ۱۳۸۳/۰۳/۱۰)

خطبه دوم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاه و السّلام على سيّدنا و
نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين
الأطهرين سيّما بقيّة الله فى الأرضين و صلّ على على
امير المؤمنين و فاطمة الزّهراء سيّدة نساء العالمين و صلّ
على الحسن و الحسين سيّدى شباب اهل الجنّة و على
على بن الحسين و محمّد بن علىّ و جعفر بن محمّد و
موسى بن جعفر و على بن موسى و محمّد بن علىّ و
على بن محمّد و الحسن بن علىّ و الخلف القائم المهديّ
حججك على عبادك و امنائك فى بلادك و صلّ على
ائمّة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين.

عباد الله اوصيكم و نفسى بتقوى الله

تقوا یعنی مراقبت دائمی از خویش در برابر لغزش‌ها و گناه‌ها. انسان متقی کسی است که در خلوت و جلوت، خدا را ناظر بر اعمال خویش بداند و پیش از هر اقدامی بیندیشد که آیا رضای خدا در آن هست یا نه. تقوا، نگهبان دل‌ها، عامل اصلاح رفتار و ضامن عزت دنیا و آخرت است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او راه برون‌رفت از مشکلات قرار می‌دهد و از جایی که گمان ندارد روزی‌اش می‌رساند. بنابراین اگر بخواهیم در زندگی فردی و اجتماعی‌مان از مشکلات و بن‌بست‌ها عبور کنیم، راه آن تقوا و پرهیزکاری است.

این روزها امت اسلام در فضای نورانی ربیع الاول قرار دارد؛ ماهی که دو واقعه‌ی بزرگ در آن رخ داده است: میلاد پیامبر اعظم (ص) و هجرت تاریخی آن حضرت از مکه به مدینه.

میلاد پیامبر، آغاز رسالت و نزول نور هدایت بود؛ و هجرت ایشان، آغاز شکل‌گیری نظام اسلامی و تحقق عملی دین در عرصه‌ی اجتماع.

هجرت؛ سرآغاز امت‌سازی

پیامبر اکرم (ص) پس از سیزده سال دعوت و مجاهدت در مکه، با اذیت‌ها و فشارهای سنگین قریش روبه‌رو شدند. آن‌گاه با فرمان الهی هجرت کردند و در مدینه، جامعه‌ای نو و تمدنی نو بر اساس ایمان و عدالت بنا نهادند.

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

«اولین کاری که پیامبر پس از ورود به مدینه کرد، تشکیل قدرت سیاسی و اجتماعی بود؛ بنابراین حکومت یکی از لوازم کار نبوت است» (۱۳۹۹/۱/۳).

این یعنی پیامبر اسلام فقط معلم اخلاق فردی نبود؛ بلکه معمار یک جامعه‌ی نوین بود؛ جامعه‌ای که بر اساس توحید، عدالت و اخوت استوار شد.

اقدامات پیامبر در مدینه

۱. بنا کردن مسجد: اولین اقدام پیامبر، ساخت مسجد بود. مسجد در نگاه ایشان فقط محل عبادت نبود، بلکه مرکز تصمیم‌گیری سیاسی، تعلیم، قضاوت و اداره‌ی جامعه شد.

۲. ایجاد وحدت و اخوت: پیامبر میان مهاجر و انصار پیمان برادری بست، مرزهای قبیله‌ای و طبقاتی را درهم شکست و همه را در یک صف واحد قرار داد. انتخاب بلال حبشی به عنوان مؤذن، نشانه‌ای روشن از این برابری و عدالت بود.

۳. تنظیم پیمان اجتماعی: پیامبر با یهودیان مدینه پیمان‌نامه‌ای امضا کرد که در آن اصول همزیستی و حقوق همه‌ی گروه‌ها به رسمیت شناخته شد. این همان پایه‌گذاری قانون و نظم اجتماعی اسلامی بود.

روح حاکم بر جامعه نبوی

جامعه‌ی مدینه، جامعه‌ای بود که در آن:

ایمان به خدا محور همه چیز بود،

عدالت در رفتار و قضاوت رعایت می‌شد،

برادری و اخوت جایگزین تعصبات جاهلی گردید،

و مسجد کانون حیات امت بود.

رهبر معظم انقلاب درباره‌ی این دوره می‌فرمایند:

«پیغمبر با ایجاد اخوت، تعصب‌های قبیله‌ای و جدایی‌های طبقاتی را زیر پای خود له کرد» (۱۳۸۰/۲/۲۸).

پیام برای امروز ما

برادران و خواهران عزیز!

هجرت پیامبر و نظام‌سازی ایشان، تنها یک واقعه‌ی تاریخی برای ثبت در کتاب‌ها نیست. این هجرت یک الگو برای امروز ما است.

امروز هم اگر امت اسلامی بخواهد عزت، استقلال و پیشرفت داشته باشد، باید همان اصول را زنده کند:

ایمان و تقوای واقعی،

وحدت و همبستگی،

عدالت اجتماعی،

و محوریت مسجد و دین در زندگی.

ما مسلمانان موظفیم همان طور که پیامبر(ص) دین را از عبادت فردی فراتر برد و آن را در عرصه‌ی اجتماع و سیاست جاری ساخت، امروز نیز دین را در همه‌ی شئون زندگی حاضر کنیم.

در یک کلام:

هجرت پیامبر اکرم(ص) آغاز یک تمدن بود؛ تمدنی که با توحید، عدالت و اخوت بنا شد و راهنمای امت اسلامی تا روز قیامت است.

شهر چمران مظلوم و بی صدا است

الحمد لله مسئولان شهرستان بندرماهشهر در حوزه‌های مختلف مشغول خدمت هستند، اما حقیقت تلخ آن است که شهر چمران مظلوم و بی صدا مانده است. قرار گرفتن این شهر در سایه‌ی دو منطقه‌ی بزرگ - شهرستان بندرماهشهر و بخش بندرامام - سبب شده که رشد و آبادانی چمران با کندی پیش برود و بسیاری از نیازهای مردم عزیز این شهر همچنان بی پاسخ بماند.

۱. آموزش و پرورش

امروز شهر چمران و شهرک بعثت حداقل به ۵ مدرسه‌ی دیگر، به‌ویژه در مقطع ابتدایی نیاز دارند. در مناطقی مانند فاز یک، کوی خیام، کوی عمار و مسکن مهر، تنها یک مدرسه‌ی ابتدایی دولتی برای جمعیتی بسیار زیاد وجود دارد؛ این یعنی فشار سنگین بر خانواده‌ها و دانش‌آموزان.

۲. آب و فاضلاب

زیرساخت‌های آب و فاضلاب چمران بسیار فرسوده است. این مسئله سلامت مردم را تهدید می‌کند و نیازمند یک طرح ملی جدی برای نوسازی و بازسازی خطوط انتقال است.

۳. طرح‌های عمرانی

متأسفانه در سال‌های اخیر، پروژه‌های بزرگ و اثرگذار عمرانی در شهر بسیار اندک بوده و این محرومیت در شأن مردم این منطقه‌ی توانمند نیست.

۴. بهداشت و درمان

شهر چمران همچنان فاقد یک مرکز درمانی دولتی یا خیریه‌ی مجهز است؛ مردم برای خدمات اولیه‌ی درمانی مجبورند به مناطق دیگر مراجعه کنند. این کمبود در شأن جمعیتی حدود ۴۰ هزار نفر نیست.

۵. کشاورزی

منطقه‌ی جراحی ظرفیت تبدیل شدن به قطب کشاورزی استان خوزستان را دارد، اما کشاورزان عزیز با مشکلات بزرگی مانند تأمین کود و بذر، فروش محصولات و نبود حمایت کافی مواجه‌اند. این مشکلات باید به صورت سیستماتیک و با نگاه توسعه‌ای حل شود.

۶. تقسیمات کشوری

با جمعیت نزدیک به ۴۰ هزار نفر، شهر چمران باید از حد یک شهر خارج شده و به بخش ارتقا پیدا کند تا مسیر پیشرفت و آبادانی آن باز شود.

مشکلات دیگر

علاوه بر این‌ها، مردم چمران با چالش‌های دیگری چون گرانی اجناس، ضعف زیرساخت‌های فرهنگی، کمبود فضای سبز، مشکلات حمل‌ونقل و خدمات شهری دست و پنجه نرم می‌کنند. این‌ها همه مسائلی است که باید در دستور کار مسئولان شهرستانی، استانی و ملی قرار گیرد.

کلام پایانی

مسئولیت، امانت الهی است. برخی مسئولان شهری و شهرستانی متأسفانه گرفتار روزمرگی شده‌اند، در حالی که در پیشگاه خداوند باید پاسخگوی کوتاهی‌های خود باشند. مردم و شورای شهر نیز باید با مطالبه‌گری صحیح، پیگیر حقوق شهر و آینده‌ی فرزندان خود باشند.

شهر چمران شایسته‌ی توجه، آبادانی و جهش توسعه‌ای است؛ و این وظیفه‌ی همه‌ی ماست که صدای مردم مظلوم و بی‌ادعای این شهر را به گوش مسئولان برسانیم.